

چکیده:

در روستای خانیک از توابع شهرستان گناباد، به گویشی از پارسی سخن می‌زنند که در تحلیل زبان‌شناسی، ویژگی‌های بسیاری دارد. این گویش که به احتمال زیاد از تأثیر گویشها و زبانهای دیگر سرکنار مانده، ریشه در گذشته‌های دور دارد. تا آن‌جا که هنوز برخی واژه‌های فارسی میانه در آن شنیده می‌شود. از ویژگی‌های شاخص این گویش، می‌توان از چگونگی صرف فعل نام برد که موضوع مقاله حاضر است. در واژگان گویش یک قوم، می‌تواند شیوهٔ معیشت و تولید آن قوم را آشکار سازد. مثلاً مردمی که اقتصادشان بیشتر بر کشاورزی متکی است، واژگان فرولتی را در ارتباط با کشاورزی به کار می‌برند. آن واژگان زندگی‌کننده از مفهوم کاربرد اصلی خود خارج شده و به صورتی استعاری در گفتمان و گویش روزمره بیان می‌شود. به طوری که در همهٔ مرصع زندگی مردم حضور می‌یابد. بنابراین بازتاب بسیاری از مسائل معیشتی، اجتماعی و... در زبان و گویش به چشم می‌خورد.

مجید لباف خانیکی

صرف فعل در گویش روستای خانیک

معرفی روستای خانیک

«خانیک» روستایی است از شهرستان گناباد، بخش مرکزی، دهستان کاخک. خانیک در دره‌ای از کوه‌های جنوب گناباد قرار دارد و از مجموعه روستاهای «براکوه» محسوب می‌گردد.^۱ خود واژه خانیک در زبان پهلوی به معنای «چشمه» بوده^۲ و نام مناسبی برای این درهٔ پرآب است. بر طبق آمار گروه تحقیقات جهاد خراسان، این روستا در سال ۱۳۷۵، ۸۹۳ نفر جمعیت داشته است. البته این رقم در فصول مختلف تغییر می‌کند.

۱- رک. سلطان حسین تابنده، تاریخ و جغرافیای گناباد، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۲۸، ص ۱۳۸.

۲- محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد اول.

گویش خانیک

در خانیک به زبان پارسی و با گویشی ویژه سخن می‌گویند. این گویش جزء لهجه‌های مرکزی ایران است.^۱ روستای خانیک به دلیل شرایط جغرافیایی، کمتر در معرض تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته؛ در نتیجه دارای گویش نسبتاً همگنی بوده و واژه‌های بیگانه را کمتر پذیرفته است. البته در حال حاضر ارتباط روزافزون با شهر و یورش رسانه‌های جمعی تا اندازه‌ای گویش خانیک را دگرگون کرده است. اما هنوز واژه‌هایی از این گویش می‌تواند جایگزین مناسبی برای کلمات بیگانه بوده و در غنای زبان پارسی نقش مؤثری داشته باشد.

گذشته از این ویژگی‌هایی در ساختار دستوری گویش خانیک یافت می‌شود که از نظر زبان‌شناسی اهمیت دارد. برخی از این ویژگی‌ها بازمانده گویش‌های باستانی زبان پارسی است و می‌تواند گوشه‌هایی از مسیر تکامل پارسی دری را باز نماید. این ویژگی‌های دستوری در فعلها، پیشوندها، پسوندها، مصدرها، ترکیبات اضافی و... نمود دارد که ما تنها از این میان به بررسی فعلهای این گویش می‌پردازیم.

صرف افعال مرکب

در گویش خانیک مانند فارسی (منظور لهجه رسمی فارسی) فعلها به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند^۲ و هر فعل را دو بخش «ماده» و «شناسه» می‌سازد.^۳ ماده فعل همان بخش ثابت فعل است که در صرف تغییری نمی‌کند؛ و شناسه بخش متغیر فعل است که بیان‌کننده شخص و عدد (مفرد یا جمع) می‌باشد. در فارسی شناسه همواره در پایان فعل می‌آید، خواه فعل ساده باشد و خواه مرکب، خواه ماضی و خواه مضارع. اما در گویش خانیک همیشه این طور نیست. فعلهای مرکب همیشه دو بخشند که در فارسی رسمی شناسه پس از پایان بخش دوم فعل می‌آید؛ اما در گویش خانیک فعل

۱- ا. م. ارانسکی، مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، ۱۳۵۸، ص ۳۱۸.

۲- رضا زمردیان، زبان‌شناسی علمی بررسی گویش فاین، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۶۱.

۳- پرویز نائل خانلری، دستور زبان فارسی، انتشارات توس، چاپ چهارم، ۱۳۴۳، ص ۲۵.

مرکب ماضی از این قانون پیروی نمی‌کند و شناسه پس از بخش اول فعل مرکب می‌نشیند.

به‌عنوان مثال به صرف فعل «سرکشیدن» توجه کنید:

ماضی استمراری		ماضی ساده	
فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
سر می‌کشیدم	sa.rom.ma.ka.ʃi	سر می‌کنی	sa.rom.ka.ʃi
سر می‌کشیدی	sa.ret.ma.ka.ʃi	سرت کنی	sa.ret.ka.ʃi
سر می‌کشید	sar.reʃ.ma.ka.ʃi	سرش کنی	sa.reʃ.ka.ʃi
سر می‌کشیدیم	sar.ma.ma.ka.ʃi	سر می‌کنی	sar.ma.ka.ʃi
سر می‌کشیدید	sar.ta.ma.ka.ʃi	سرت کنی	sar.ta.ka.ʃi
سر می‌کشیدند	sar.ʃa.ma.ka.ʃi	سرش کنی	sar.ʃa.ka.ʃi

در صرف فعل مذکور، شناسه‌ها عبارتند از: (م، ی، یم، ید، ند) و سوم شخص مفرد، شناسه ندارد؛ ولی در گویش خانیک شناسه‌ها عبارتند از: (ـِ، ـِ، ـِش، ـِش، ـِش، ـِش).

افعال ماضی

در گویش خانیک تقریباً همه فعلهای ماضی همراه با پیشوند «بِ» می‌باشد که در فارسی امروزی رایج نیست. همچنین هر شش صیغه، دارای شناسه است. (که در صرف افعال مرکب توضیح داده شد).

به‌عنوان مثال فعل «رفتن» در ماضی ساده و ماضی نقلی به گونه زیر صرف می‌شود:

ماضی ساده		ماضی نقلی	
فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
رفتم	be.raf.tom	برفتم	be.raf.ta.yom
رفتی	be.raf.tet	برفتی	be.raf.ta.yet

ماضی نقلی		ماضی ساده	
گوش خانیکی	فارسی رسمی	گوش خانیکی	فارسی رسمی
be.raf.ta.yeš برفتیش	رفتاست	be.raf.teš برفتش	رفت
be.raf.ta.ma برفتم	رفتایم	be.raf.ma برفم	رفتیم
be.raf.ta.ta برفتت	رفتاید	be.raf.ta برفت	رفتید
be.raf.ta.ša برفتش	رفتاند	be.raf.ša برفش	رفتند

یک ویژگی صرفی مهم در گذشته بعید دیده می شود؛ می دانیم که در گذشته بعید در فارسی، شناسه پس از فعل «بود» می آید. برعکس در گوش خانیک، جای شناسه پیش از فعل «بود» است و شناسه به فعل اصلی می چسبد؛ مگر این که، فعل ماضی بعید در جمله ای قرار بگیرد که «رای مفعولی» یا «قید» داشته باشد که در آن صورت شناسه به همان «رای مفعولی» یا «قید» متصل می شود. به این موضوع دوباره باز خواهیم آمد. صرف فعل «رفتن» در گذشته بعید به قرار زیر است:

ماضی بعید		ماضی ساده	
گوش خانیکی	فارسی رسمی	گوش خانیکی	فارسی رسمی
be.raf.ta.ma.bo برفتم بو	رفته بودیم	be.raf.tam.bo برفتم بو	رفته بودم
be.raf.ta.ta.bo برفتت بو	رفته بودید	be.raf.tat.bo برفتت بو	رفته بودی
be.raf.ta.ša.bo برفتش بو	رفته بودند	be.raf.taš.bo برفتش بو	رفته بودند

باز هم در فارسی، شناسه های گذشته بعید از فعل رفتن عبارتند از: «م، ی، یم، ید، ند» و در گوش خانیک شناسه ها عبارتند از «م، ت، ش، م، ت، ش». در ماضی التزامی نیز شناسه به فعل اصلی می چسبد و مانند مورد قبل، فعل «باشد» به تنهایی می آید.

به صرف فعل «خوردن» در زمان ماضی التزامی دقت کنید:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
خورده باشم	bo.xor.da.ma.ba.ša بخوردم بش	خورده باشی	bo.xor.da.ta.ba.ša بخوردت بش
خورده باشی	bo.xor.da.ta.ba.ša بخوردت بش	خورده باشید	bo.xor.da.sa.ba.ša بخوردش بش
خورده باشید	bo.xor.da.sa.ba.ša بخوردش بش		

فعل مضارع

در افعال مضارع، تخفیف واژه‌ها بیشتر انجام می‌شود، که گاهی فعلی تا یک حرف مخفف می‌گردد.

مثلاً فعل «خواستن» در زمان مضارع اخباری به گونه زیر صرف می‌شود:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
می‌خواهم	ma.yem میه	می‌خواهی	ma.yom میه
می‌خواهی	ma.yi می	می‌خواهید	ma.yad مید
می‌خواهید	ma.yan مین		

در فارسی رسمی، شناسه‌های فعلی مضارع عبارتند از: «م، ی، د، یم، ید، ند». در حالی که شناسه‌های فعل مضارع در گویش خانیک «م، ی، د، یم، ید، ن» می‌باشد. در این گویش دوم شخص جمع، تنها مصوت «ه» می‌باشد که بر آخر جزء ثابت فعل می‌نشیند و بیشتر از این جهت با فارسی رسمی تفاوت دارد.

مضارع اخباری فعل «خواستن» به گونه دیگری هم صرف می‌شود که تأکید و اخبار بیشتری در آن نهفته است و به همین شکل منفرد به کار می‌رود. یعنی کمتر در ترکیب جمله‌ای جای می‌گیرد:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
می‌خواهم	ma.dom مدم	می‌خواهیم	ma.ma مم
می‌خواهی	ma.det مدت	می‌خواهید	ma.ta مت
می‌خواهید	ma.deš مدش		ma.sa مش

مضارع التزامی به چهارگونه صرف می‌شود، که هر کدام بسته به ترکیب معنایی و عاطفی جمله به کار می‌رود. نوع اول مضارع التزامی، تقریباً مانند فارسی رسمی صرف می‌شود و در جملات عادی می‌آید. در انواع دیگر مضارع التزامی از پسوند «یده» *ba.de* یا «ب» *ba* استفاده می‌شود. به کار بردن این پسوندها در مضارع التزامی، معنای تردید و احتمال فعل را تشدید نموده و به جمله حالتی مبالغه‌آمیز می‌دهد.

سه گونه مضارع التزامی به‌قرار زیر است:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
بخورم	بخورم ب <i>bo.xo.rem.ba</i>	بخوریم	بخوریم
بخوری	بخوری ب <i>bo.xo.ra.ba</i>	بخورید	بخورید
بخورد	بخورد ب <i>bo.xo.ran.ba</i>	بخورند	بخورند

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
بخورم	بخورم بده <i>bo.xo.rem.ba.de</i>	بخوریم	بخوریم
بخوری	بخوری بده <i>bo.xo.ra.ba.de</i>	بخورید	بخورید
بخورد	بخورد بده <i>bo.xo.ran.ba.de</i>	بخورند	بخورند

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
بخورم	مخورم بده <i>ma.xo.rem.ba.de</i>	بخوریم	بخوریم
بخوری	مخوری بده <i>ma.xa.r.ba.de</i>	بخورید	بخورید
بخورد	مخورد بده <i>ma.xo.rad.ba.de</i>	بخورند	بخورند

فعل آینده

در زمان آینده شناسه به فعل اصلی نمی‌چسبد. بلکه همواره بعد از فعل معین «خواستن» قرار می‌گیرد و از این رو با فارسی رسمی یکسان است. مثلاً صرف فعل «رفتن» در زمان آینده به این گونه است:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
خواهبرفت	بخم رف be.xam.raf	خواهبرفت	بخم رف bo.xom.raf
خواهبرفت	بخ رف be.xa.raf	خواهبرفت	بخ رف be.xay.raf
خواهبرفت	بخن رف be.xan.raf	خواهبرفت	بخد رف be.xad.raf

افعال منفی

در گویش خانیک، جایگاه شناسه در فعل منفی از ماده فعل است، در حالی که در فارسی همیشه، شناسه در پایان فعل منفی می‌آید. ^۱ به مثال زیر نگاه کنید:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
نرفتم	بنم رف be.na.ma.raf	نرفتم	بنم رف be.nam.raf
نرفتی	بنت رف be.na.ta.raf	نرفتی	بنت رف be.nat.raf
نرفت	بنش رف be.na.sa.raf	نرفت	بنش رف be.naš.raf

مثال بالا را اگر به شکل مثبت صرف کنیم، شناسه‌ها، همگی در آخر فعل قرار خواهند گرفت.

شناور بودن شناسه فعل در طول جمله

در گویش خانیکی ممکن است شناسه از ساختمان فعل خارج شود. در این صورت شناسه گاهی به «رای مفعولی» متصل می‌گردد و گاهی به قید که این ویژگی در فارسی دیده نمی‌شود. البته اگر در جمله‌ای ضمیر فاعلی آمده باشد، دیگر شناسه به «راء» یا قید نمی‌چسبد؛ زیرا شناسه در خود ضمیر فاعلی مستتر است. مثالهای زیر مبین این مطلب می‌باشد:

جایگاه شناسه	جمله در گویش خانیکی	جمله در فارسی رسمی
متصل به قید	همیشه ازم <i>ha.mi.šam.or.ma</i>	همیشه او را می‌خواهم
متصل به داء	همیشه ازم <i>ha.mi.ša.o.rom.ma</i>	همیشه او را می‌خواهم
مستتر در ضمیر فاعلی	م همیشه ازم <i>mo.ha.mi.ša.or.ma</i>	همیشه او را می‌خواهم

در مثالهای بالا اگر ضمیر مفعولی «او» از جمله حذف شود و به جایش ضمیر متصل «آش» به کار رود آن‌گاه شناسه هم از ماده فعل جدا نخواهد شد:
همیشش مئم *ha.mi.šaš.ma.yom* (همیشه او را می‌خواهم).
اگر در جمله‌ای «راء» حذف شده باشد، آن‌گاه شناسه فعل، ضرورتاً به مفعول یا ضمیر مفعولی می‌چسبد، مانند:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
آنرا می‌خواهم	اوم م <i>um.ma</i>	آنرا می‌خواهم	اوم م <i>u.ma.ma</i>
آنرا می‌خواهی	اوت م <i>ut.ma</i>	آنرا می‌خواهید	اوت م <i>u.ta.ma</i>
آنرا می‌خواهد	اوش م <i>u.š.ma</i>	آنرا می‌خواهند	اوش م <i>u.ša.ma</i>

ادغام ضمیر مفعولی در فعل

ویژگی جالب دیگر در گویش خانیکی، ادغام ضمیر مفعولی در فعل است. ضمیر «آن» یا «این» به صورت یک «کسره» در می‌آید و در آخر فعل می‌نشیند. در افعال جمع،

نونی مانند نون میانجی هم به آخر فعل اضافه می‌شود تا محل قرار گرفتن و کسره^۲ باشد. به مثال زیر نگاه کنید:

فارسی رسمی	گویش خانیکی	فارسی رسمی	گویش خانیکی
آنرا می‌خواهم	مدم ma.do.me	آنرا می‌خواهیم	معن ma.ma.ne
آنرا می‌خواهی	مدت ma.de.te	آنرا می‌خواهید	متن ma.ta.ne
آنرا می‌خواهد	مدش ma.de.še	آنرا می‌خواهند	مشن ma.ša.ne

در مثال بالا ضمیر «این» هم به گونه ضمیر «آن» در می‌آید و صرف هر دو به یک

شیوه است.

شباهتهای صرفی گویش خانیک با گویشهای دیگر فارسی:

همان‌طور که گذشت، در فارسی رسمی شناسه‌ای برای سوم شخص مفرد از فعل ماضی وجود ندارد. در حالی که در گویش خانیک شناسه «ش» یا «ش» را می‌یابیم. در گویش زرتشتیان یزد نیز این شناسه برای سوم شخص مفرد از فعل «ماضی مطلق» به کار می‌رود. مثلاً فعل «پراند» را می‌گویند: «اَش پرفود os.par.nud». صرف همه شناسه‌های این فعل عبارتند از: «م، د، ش، م، د، ش، م، د، ش» که شباهت این شناسه‌ها با شناسه‌های فعلهای خانیکی جالب توجه است.

همچنین شناسه سوم شخص مفرد در لهجه مردم زُفره اصفهان وجود دارد که پیش از ماده فعل می‌آید. مثلاً برای فعل «ریخت» می‌گویند: «بش رت beš.ret» و صرف همه شناسه‌ها برای فعل ماضی این گونه است: «م، یت، یش، یش، ایش، ایش، ایش». ۲ به عنوان مثال فعل ماضی ساده را در زُفره و خانیک بررسی می‌کنیم؛ شناسه‌ها در هر دو گویش یکی

۱- رک. کیخسرو کشاورز، «فرهنگنامه گویش زردتشتیان استان یزد» ماهنامه فروهر، شماره ۴، شهروید ۱۳۶۲، ص ۴۶۲.

۲- رک. محمدحسن رجایی زفره‌ای، «لهجه مردم زفره کوه‌پایه اصفهان»، نامه فرهنگ ایران، انتشارات بنیاد نیشابور، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸.

است. با این تفاوت که در صرف فعل مثبت در ژفره، شناسه پیش از ماده فعل قرار می‌گیرد، ولی در خانیک پس از ماده فعل؛ به جز اول شخص مفرد که به هر دو شکل گفته می‌شود. با مثال زیر درمی‌یابیم که صرف فعل مثبت در ژفره با صرف منفی همان فعل در خانیک شبیه است:

فارسی رسمی	گویش زمزه	فارسی رسمی	گویش خانیکی
ریختم	bem.ret بمرت	نریختم	be.nam.rex بنم رخ
ریختی	bet.ret بترت	نریختی	be.nat.rex بنت رخ
ریخت	beš.ret بشرت	نریخت	be.naš.rex بنش رخ

□ □ □

در دهستان «شنبه» šon.be (استان بوشهر، شهرستان خورموج) صرف افعال مانند گویش خانیک است.^۱ این همانندی به‌رغم دوری این دو منطقه چشمگیر است؛ در حالی که در گویش اقوام ساکن حد فاصل خانیک و شنبه شباهتی این‌گونه دیده نمی‌شود. به‌عنوان مثال صرف مصدر «دل‌کندن» در گویش خانیک و شنبه به‌شیوه زیر است:

فارسی رسمی	گویش خانیک	گویش شنبه
دل‌کندم	de.lom.kan دل‌کن	de.lom.kan دل‌کن
دل‌کندی	de.let.kan دل‌کن	de.let.kan دل‌کن
دل‌کند	de.leš.kan دلش‌کن	de.leš.kan دلش‌کن
دل‌کندیم	del.ma.kan دل‌کن	del.mo.kan دل‌کن
دل‌کندید	del.ta.kan دل‌کن	del.to.kan دل‌کن
دل‌کندند	del.ša.kan دلش‌کن	del.šo.kan دلش‌کن

۱- بر طبق تحقیقات میدانی نگارنده.

در بیرون از مرزهای کنونی ایران نیز، لهجه‌هایی از فارسی یافت می‌شود که از نظر دستوری شباهتهایی با گویش خانیک دارد. مثلاً صرف ماضی نقلی در گویش خانیک و بخارا شبیه است. در گویش خانیک معمولاً ماضی نقلی در جمله بدون شناسه ادا می‌شود و اگر ضمیر فاعلی در جمله بیاید، شناسه در ضمیر مستر می‌باشد. در این صورت ماضی نقلی به صورت اسم مفعول برای همه صیغه‌ها بیان می‌شود. در لهجه بخارایی نیز چنین می‌باشد با این تفاوت که بعد از اسم مفعول مصدری که از آن می‌خواهند ماضی نقلی بسازند، کلمه «گی» قرار می‌دهند:^۱

فارسی رسمی	گویش خانیک	گویش بخارا
من اصفهان را دیدم	mo.Esfahân.ra.dida مو اصفهانز دیده	من اصفهانه دیده‌می
تو اصفهان را دیدی	to.Esfahân.ra.dida تو اصفهانز دیده	تو اصفهانه دیده‌می
او اصفهان را دیده است	o.Esfahân.ra.dida آ اصفهانز دیده	وی اصفهانه دیده‌می
ما اصفهان را دیدیم	ma.Esfahân.ra.dida ما اصفهانز دیده	ما اصفهانه دیده‌می
شما اصفهان را دیداید	šoma.Esfahân.ra.dida شما اصفهانز دیده	شما اصفهانه دیده‌می
آنها اصفهان را دیداند	una.Esfahân.ra.dida اونا اصفهانز دیده	اونا اصفهانه دیده‌می

در پارسی تاجیکستان نیز، زمان ماضی نقلی به همین صورت صرف می‌گردد.^۲

نتیجه

با این که گویش خانیک تنها لهجه‌ای از زبان پارسی است؛ اما تفاوت‌هایی که با فارسی رسمی دارد پرسشهایی را برمی‌انگیزد. از طرفی شباهتهای صرفی و قاموسی که با نقاطی مثل «شنبه» دارد، می‌تواند به چند گونه تفسیر شود. این شباهت شاید به دلیل

۱- رک. احمدعلی رجایی بخارایی، لهجه بخارایی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- رک. ایران کلباسی، فارسی ایران و تاجیکستان، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸.

مهاجرت اقوام در طول تاریخ بوده است. بنابراین با ردیابی شباهتهای گویشی شاید بتوان به خط سیر مهاجرت‌های کوچک و بزرگ پی برد. شباهتهای گویشی شاید برکه‌های از هم دور افتاده و بازمانده دریای بزرگی باشد. مثلاً چه بسا گویش خانیک و «شنبه» باقی‌مانده لهجهای از پارسی باشند که در گذشته‌های دور مردمان بیشتری به آن سخن می‌گفته‌اند. در هر صورت پاسخ گفتن به این پرسشها، پژوهشهای بیشتر و ژرفتری را می‌طلبد.

رختی	رخت	رخت	رختی
bet	bet	bet	bet
bet	bet	bet	bet
bet	bet	bet	bet

پوشه و رختی	پوشه و رختی	پوشه و رختی	پوشه و رختی
be.nat.rax	be.nat.rax	be.nat.rax	be.nat.rax
be.nat.rax	be.nat.rax	be.nat.rax	be.nat.rax
be.nat.rax	be.nat.rax	be.nat.rax	be.nat.rax

فاردوس رسمی	فاردوس رسمی	فاردوس رسمی	فاردوس رسمی
del.let.kan	del.let.kan	del.let.kan	del.let.kan
del.let.kan	del.let.kan	del.let.kan	del.let.kan
del.let.kan	del.let.kan	del.let.kan	del.let.kan

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال پنجم علوم انسانی